

دریچه

## فقدان فرهنگ توسعه

محول شده از دوش خود طی مدت تعیین شده قانونی هستند.

توسعه زمانی می‌تواند به مرحله اجرا و عملیاتی نزدیک شود که تمامی قوا و نیروی اجرا و قانون همسو با هم در راه توسعه و پیشرفت کشور گام‌های اساسی بردارند. در دهه گذشته ما به جای پیشرفت، بازگشت و حشمتانگی به عقب‌ماندگی در حوزه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی به خصوص اجتماعی در شکل وسیع داشته‌ایم.

زمانی که فرهنگ سیاسی درست تعریف نمی‌شود، بسیاری از حقوق اجتماعی و اقتصادی مردم زیر پا گذاشته شده و دیگر در صد تأمین حقوق شهروندی بر نمی‌آیند. این امر را به عینه دیدیم و کشور به شرایط بسیار سخت بحران سیاسی و اقتصادی وارد شد و نه تنها توسعه‌های حاصل نشد، بلکه از بسیاری از برنامه‌های قبلی هم عقب‌تر رفتیم. این به دلیل کمبود معلومات، اعتقادات و بی‌توجهی به راهبردهای کلانی است که در برنامه‌های توسعه‌ای برای کشور صورت گرفته است و آن باز به مشکل فرهنگی بازمی‌گردد.

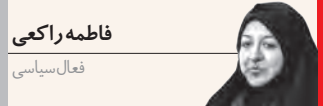
در حال حاضر با تغییر دولت‌ها، دولت‌های جدید باید به هموار ساختن اشتباهات دولت قبل زمان و صرف هزینه‌های مضاعف به مرحله قبل از آن نزدیک شوند. اگر به دوره قبل از انقلاب نگاه کنیم، مسلماً نباید، منتظر توسعه فرهنگی باشیم. زیرا این انقلاب، جنبش فرهنگی بود. ما در قبل از انقلاب در حوزه فرهنگی مشکل داشتیم، اما بعد از انقلاب که نهادها مستقر شدند، دیگر در این زمانه بر نمی‌تابد، شاه‌ها این همه کمبود توسعه، ویژه‌های صورت پذیرد.

متأسفانه در کشورهای جهان سوم، آن‌طور که باید و شاید به توسعه فرهنگی توجه نشده نمی‌شود. توسعه فرهنگی از دیرباز محور رشد و پیشرفت حوزه‌های دیگر بوده است و کشورهای غیر توسعه‌یافته از قدیم خود را با مسأله فرهنگ و مقوله‌های مرتبط با آن همسو ساخته‌اند.

بسیاری از تئوریسین‌های جهان سوم به فرهنگ و توسعه آن نگاه کلان نداشته و به آن اهمیت چندانی نمی‌دهند و فکر می‌کنند برای توسعه فرهنگی همیشه وقت هست و به پر رنگ ساختن توسعه‌های دیگر از قبیل اقتصاد و سیاست به صورت تک‌بعدی نگاه ویژه‌ای معطوف دارند. اگر فرهنگ نباشد، توسعه فرهنگی دیگری که فکر می‌کنیم، قرار است به توسعه و پیشرفت دست یابیم، به بی‌بست تاریخی نخواهیم خورد و مسلماً توسعه‌های حاصل نخواهد شد. در حال حاضر برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور ما تحت‌الشعاع برنامه‌های سیاسی قرار گرفته است و فرهنگ جایگاه واقعی خود را ندارد. فرهنگ رعایت حقوق شهروندی که

سراغز توسعه سیاسی است، تا چه اندازه در برنامه‌های توسعه کلان ما مدنظر قرار گرفته است؟ به یقین سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌های فعلی نتوانسته است پاسخگوی خواست‌ها و توسعه فرهنگی و اجتماعی ما طی دهه‌های اخیر باشد.

برنامه‌های تدوین شده به سمت توسعه همه‌جانبه میل ندارد و انگار افرادی که زمام امور را در دست می‌گیرند، به دنبال رسیدن به توسعه نهایی نبوده و تنها به رفع مسئولیت‌های



فاطمه راکمی  
فعال سیاسی

توسعه به راهبردها و برنامه‌های مدون شده‌ای گفته می‌شود که دولت‌ها برای رشد و پیشرفت در حوزه‌های مختلف به آن اکتفا می‌کنند و برای هر دولت مکمل و پیش‌بیننده برنامه‌های انجام شده از سوی دولت‌های قبلی خواهد بود.

توسعه در حال حاضر یک نگاه جهانی به تمامی امور جوامع مختلف برای رسیدن به اهداف تعیین شده از سوی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزی دارد که تمامی جنبه‌های توسعه و پیشرفت جوامع را در نظر گرفته و برای آن برنامه‌های همه‌جانبه در نظر می‌گیرند. توسعه باید در همه زمینه‌ها نگاه کلان به امور داشته باشد. بسیاری از برنامه‌ریزان در امر توسعه، رشد و پیشرفت جوامع فعلی را بیشتر معطوف به بخش‌های اقتصادی و سیاسی خلاصه می‌کنند، در صورتی که توسعه با فرهنگ شکل می‌گیرد. از نظر اهل فرهنگ و قلم، توسعه فرهنگی بسیار مهم‌تر از توسعه بخش‌های دیگر است، زیرا توسعه فرهنگی زیربنای سایر بخش‌ها است.

توسعه فرهنگی، زیرساخت و مادر حوزه‌های اجتماعی و انسانی را در جوامع شکل داده و می‌دهد. زیرا فرهنگ بن‌ساز همه توسعه‌ها است. برای دستیابی راحت‌تر به توسعه بخش‌های دیگر باید به مفهوم فرهنگ توجه ویژه‌ای صورت پذیرد.

متأسفانه در کشورهای جهان سوم، آن‌طور که باید و شاید به توسعه فرهنگی توجه نشده نمی‌شود. توسعه فرهنگی از دیرباز محور رشد و پیشرفت حوزه‌های دیگر بوده است و کشورهای غیر توسعه‌یافته از قدیم خود را با مسأله فرهنگ و مقوله‌های مرتبط با آن همسو ساخته‌اند.

بسیاری از تئوریسین‌های جهان سوم به فرهنگ و توسعه آن نگاه کلان نداشته و به آن اهمیت چندانی نمی‌دهند و فکر می‌کنند برای توسعه فرهنگی همیشه وقت هست و به پر رنگ ساختن توسعه‌های دیگر از قبیل اقتصاد و سیاست به صورت تک‌بعدی نگاه ویژه‌ای معطوف دارند. اگر فرهنگ نباشد، توسعه فرهنگی دیگری که فکر می‌کنیم، قرار است به توسعه و پیشرفت دست یابیم، به بی‌بست تاریخی نخواهیم خورد و مسلماً توسعه‌های حاصل نخواهد شد. در حال حاضر برنامه‌های توسعه فرهنگی و اجتماعی کشور ما تحت‌الشعاع برنامه‌های سیاسی قرار گرفته است و فرهنگ جایگاه واقعی خود را ندارد. فرهنگ رعایت حقوق شهروندی که

سراغز توسعه سیاسی است، تا چه اندازه در برنامه‌های توسعه کلان ما مدنظر قرار گرفته است؟ به یقین سیاست‌گذاری‌ها و قانون‌های فعلی نتوانسته است پاسخگوی خواست‌ها و توسعه فرهنگی و اجتماعی ما طی دهه‌های اخیر باشد.

برنامه‌های تدوین شده به سمت توسعه همه‌جانبه میل ندارد و انگار افرادی که زمام امور را در دست می‌گیرند، به دنبال رسیدن به توسعه نهایی نبوده و تنها به رفع مسئولیت‌های

فراوانی شده است. در صورتی که خطای بدنه مردم به‌طور قطع از دولت‌ها کمتر خواهد بود. وقتی کارها حالت دستوری پیدا کند، ناواری کمتر می‌شود و همین جلوی رشد و توسعه را خواهد گرفت. دولت‌ها این روزها به جای این که بسترساز حرکت‌های گوناگون باشند، وظیفه متوقف کردن را در پیش گرفته و ناوقتی این روند ادامه داشته باشد، باید قبول کنیم که هیچ توسعه‌ای اتفاق نخواهد افتاد. باید به مردم اعتماد شود. در هر زمینه‌ای امکان خطا وجود دارد، پس نباید چند بار خطایی که از سمت مردم صورت گرفته را بهانه‌ای برای محدودیت کنیم. مردم ما وجدان بی‌بنداری دارند که می‌توان از آنها در همه شئون استفاده کرد. این اعتمادی که از آنها در دولت‌ها نسبت به مردم سلب شده است، کم‌کم می‌تواند خطرات ناگهانی را برای محدودیت کنیم. از سمت مردم هم از بین می‌رود و دیگر به دولت‌ها آن‌طور که باید اعتماد نمی‌شود. این یک افت برای جامعه محسوب می‌شود که علاوه بر این که راه توسعه را می‌بندد، می‌تواند برای هر کشور و حکومتی خطرناک باشد.



محمد باقر

## ملزومات توسعه

اجتماعی امکان حل‌وفصل شدن پیدا می‌کند و همین امر نیز عاملی می‌شود تا کشور در راستای توسعه گام بردارد. در چنین فضایی تمامی افراد جامعه مشارکت می‌کنند و این مشارکت صرف نظر از عقیده، زبان، قومیت و... معنا می‌یابد. با مشارکت مردم، شوراها، انجمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد فعالیت خود را گسترش می‌دهند و به این ترتیب فرایند دموکراسی نیز با قدرت عملیاتی می‌شود.

یکی دیگر از مواردی که با نارسایی در کشور رویه‌رو است و همچنین از جمله اصلی‌ترین لوازم توسعه نیز به حساب می‌آید، آزادی بیان و اندیشه است. این امر آن‌طور که باید و شاید به مرکز مورد توجه قرار نگرفته و از این رو ما همواره با ضعف در این راستا مواجه بوده‌ایم.

توجه به استقلال و تمامیت ارضی، عدالت و امنیت نیز از جمله دیگر ملزومات توسعه به شمار می‌روند که باید بر آنها تأکید کرد. اما توجه به عقلانیت و استفاده از افراد توانا در به دست گرفتن امور کشور، موردی است که ما با ضعف بسیاری در آن مواجه هستیم و همین مورد نیز عاملی شده تا فرایند توسعه در کشور ما متوقف شود. شکل اصلی و درست خود را حفظ کند و از سبویی بسیاری از نیروهای مولد و کارآمد کشور نیز کارایی و بازدهی لازم را نداشته باشند و به دلایل بعضاً اشتباه حتی از فعالیت باز بمانند.

از این رو توسعه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کنار یکدیگر، تنها عاملی است که می‌تواند کشور را به سمت پیشرفت سوق دهد و توسعه‌یافتگی را برای کشور به ارمغان آورد. در غیر این صورت نمی‌توان از سد موانع موجود گذشت، نارسایی‌ها را رفع و به سمت توسعه پایدار حرکت کرد.



محمدبسته‌نگار  
فعال سیاسی

در توسعه‌یافتگی و عدم توسعه‌یافتگی و وجود نارسایی‌هایی که هر کشور با آن مواجه است، موارد بسیاری در خیل هستند. بررسی قرار گیرد، می‌تواند تأثیر بسزایی در کشور بر جا نهد. از سویی دیگر امری چون توسعه‌یافتگی را باید از جوه گوناگون مورد بررسی قرار گرفت. توسعه‌یافتگی در این مدت نیز میلیون‌ها کشته و زخمی بر جا گذازد و خساراتی میلیاردری را متوجه تمامی کشورهای جهان سازد. اما یکی از ابعاد و دلایل این امر حرکت بخش‌های جدیدی از کشورهای جهان سوم به سمت استقلال‌طلبی و رسیدن به وضع جدیدی بود که در آن زمان مورد توجه این کشورها قرار داشت. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی و حتی تا اواسط دهه ۷۰، یکی از مباحثی که به شکل کانونی مورد توجه قرار گرفت، مبحث توسعه و توسعه‌یافتگی بود که از مشرب‌های گوناگون و نظریات مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفت. از دهه ۷۰ به بعد اما ما شاهد گسترش مفهوم توسعه و تغییر نگاه به آن از حوزه اقتصادی به سایر حوزه‌ها هستیم. توسعه فرهنگ سیاسی و سایر ابعاد آن و نهایتاً رسیدن به مفهومی جدید از توسعه نیز زیرمجموعه این بخش قرار گرفت که جدا کردن مفهوم رشد اقتصادی و توسعه به‌عنوان یک نگاه جدید در این خصوص مورد توجه قرار گرفت. در کشور ما نیز مفهوم توسعه و توسعه‌یافتگی از جمله مفاهیمی بود که بعد از جنگ جهانی و در سال‌های پایانی دهه ۲۰ شمسی و در حوزه اقتصاد وارد کشور شد. از سوی دیگر انواع کم‌کم‌هایی که عمدتاً توسط آمریکا و برای کشورهای درگیر جنگ یا درگیر تهاجم روسیه کمونیست نیز صورت می‌گرفت، در این بخش جای داشت که تحت‌عنوان طرح مارشال در اروپا و اصل چهار ترومن در آسیا و خاورمیانه به منصفه عمل رسید. از این رو کشور ما نیز طی دهه‌های گذشته و در حوزه‌های مختلف با مفهوم توسعه سر و کار داشت و برای رسیدن به آن در تلاش بوده و این در حالی است که متأسفانه در بسیاری از جوه و به دلایلی که عمدتاً در بالا ذکر شد، در این امر موفقیت چشمگیری کسب نکرد.

## توسعه و امکان‌رهایی از وابستگی به نفت

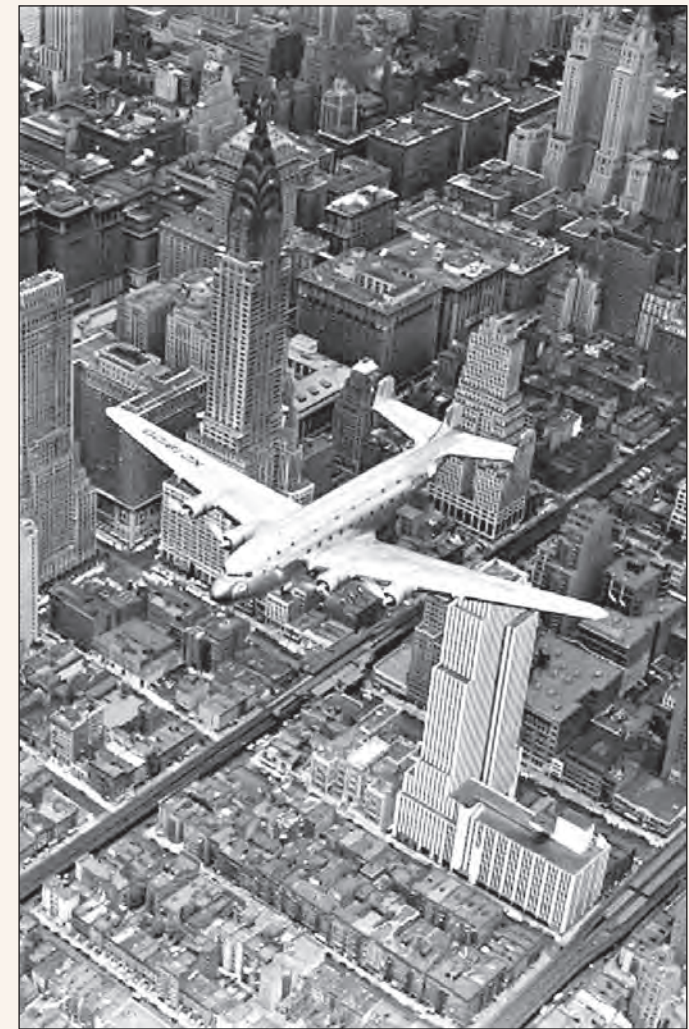
به وجود آمدن آن نیز سخنی گفته شود. مفهوم توسعه یکی از واژگان و مفاهیمی است که بعد از جنگ جهانی دوم و بیشتر در حوزه اقتصادی مطرح شد و مورد توجه اندیشمندان، صاحب‌نظران و سیاستمداران قرار گرفت.

این جنگ که در نتیجه تنازع و تقابل قدرت‌های بزرگ در اروپا آغاز شده بود، بعدها ابعادی به شدت گسترده یافت و در مدت کوتاهی توانست بخش عمده‌ای از جهان را تحت‌الشعاع قرار دهد و در سوم به سمت استقلال‌طلبی و رسیدن به وضع جدیدی بود که در آن زمان مورد توجه این کشورها قرار داشت. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی و حتی تا اواسط دهه ۷۰، یکی از مباحثی که به شکل کانونی مورد توجه قرار گرفت، مبحث توسعه و توسعه‌یافتگی بود که از مشرب‌های گوناگون و نظریات مختلف نیز مورد بررسی قرار گرفت. از دهه ۷۰ به بعد اما ما شاهد گسترش مفهوم توسعه و تغییر نگاه به آن از حوزه اقتصادی به سایر حوزه‌ها هستیم. توسعه فرهنگ سیاسی و سایر ابعاد آن و نهایتاً رسیدن به مفهومی جدید از توسعه نیز زیرمجموعه این بخش قرار گرفت که جدا کردن مفهوم رشد اقتصادی و توسعه به‌عنوان یک نگاه جدید در این خصوص مورد توجه قرار گرفت. در کشور ما نیز مفهوم توسعه و توسعه‌یافتگی از جمله مفاهیمی بود که بعد از جنگ جهانی و در سال‌های پایانی دهه ۲۰ شمسی و در حوزه اقتصاد وارد کشور شد. از سوی دیگر انواع کم‌کم‌هایی که عمدتاً توسط آمریکا و برای کشورهای درگیر جنگ یا درگیر تهاجم روسیه کمونیست نیز صورت می‌گرفت، در این بخش جای داشت که تحت‌عنوان طرح مارشال در اروپا و اصل چهار ترومن در آسیا و خاورمیانه به منصفه عمل رسید. از این رو کشور ما نیز طی دهه‌های گذشته و در حوزه‌های مختلف با مفهوم توسعه سر و کار داشت و برای رسیدن به آن در تلاش بوده و این در حالی است که متأسفانه در بسیاری از جوه و به دلایلی که عمدتاً در بالا ذکر شد، در این امر موفقیت چشمگیری کسب نکرد.



محمدجواد حق‌شناس  
فعال سیاسی

چنانچه بخواهیم مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکلات و نارسایی که کشور با آن مواجه است را نام ببریم، در ابتدای امر باید بر یک مورد اشاره کنیم که آن هم اقتصاد مبتنی بر نفت و دولت‌رانتیست. متأسفانه ماسال‌هاست که با چنین مشکلی مواجه هستیم و این معضل نه برای چندسال اخیر که محصول دهه‌ها و حتی سده‌هاست. بسیاری دیگر از کشورهای خاورمیانه هم البته با چنین مشکلی مواجه هستند و در حقیقت زمانی که کشوری ۴۲ درصد از اقتصادش مبتنی بر یک کالا باشد، این عنوان را از آن خود می‌کند. اما نارسایی و مشکل بعدی که کشور را درگیر خود ساخته، بحث تمرکز کثرت‌گرا و هر چه بزرگتر شدن دولت است. این امر از دهه‌های پایانی دهه ۴۰ شمسی آغاز شد و متأسفانه طی این سال‌هایی که گذشت ما هرگز نتوانستیم با شرایطی رویه‌رو شویم که در آن دولت حضور و نقش کم‌رنگ‌تری داشته باشد و از این طریق قدرت مردم و شهروندان افزایش یابد. معضل سومی که باید در این‌جا به آن اشاره کنیم، بازمی‌گردد به عدم توجه به توسعه متوازن در تمامی کشور و عدم توجه دقیق و جدی به توسعه فرهنگی است. متأسفانه ما در این زمینه نتوانستیم ادبیات لازم برای توسعه فرهنگی را به وجود آوریم و از آن به نحو احسن استفاده کنیم. از سویی در کشور ما همواره منافع فردی در منافع گروهی و منافع گروهی در منافع ملی تقدم داشته است که این مورد از جمله اصلی‌ترین لوازم شکل‌گیری فساد بوده و بر آن نیز دامن زده است. از این رو تا زمانی که ساخت قدرت جایگاه خود را با سازبازی نکند، قانون‌گرایی به‌عنوان اصلی اساسی مورد استفاده قرار نگیرد و احزاب و شهروندان در واقع فعالیت درست و دقیق نداشته باشند و البته امکان‌رهایی از وابستگی به نفت کاهش نیابد، امکان حل نارسایی‌ها و حرکت به سمت توسعه مهیا نخواهد بود. اما در این‌جا لازم است تا کمی در خصوص مفهوم توسعه و چگونگی

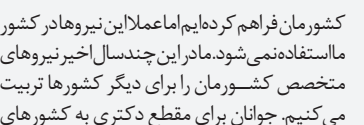


## اعتماد متقابل مردم و دولت

بیشتر باشد، خطا کمتر دیده می‌شود. تا زمانی که این مشکل و بهتر بگویم این نگاه اصلاح‌نشد، نمی‌توان انتظار داشت که ما از تمام امکانات مادی و معنوی به‌درستی استفاده کنیم. این اتلاف نیرو کاملاً در سطح جامعه مشهود است. مشارکت مردم نباید تبدیل به یک شعار باشد و در مواقع خاص مثل انتخابات از آن استفاده شود. متأسفانه مشارکت مردم در جامعه ما تنها محدود به انتخابات شده و تا این نگاه اصلاح‌نشد، توان مادر در حوزه فرهنگ و سیاست و اقتصاد هرز می‌رود.

کشوری که می‌خواهد بحث توسعه را جدی بگیرد، باید تحملش را بالا ببرد و به تکرار آراء احترام بگذارد. تا وقتی این تعدد آراء وجود نداشته باشد، ناواری به وجود نمی‌آید. برای فهمیدن این موضوع بهتر است یک نگاه کلی به حوزه فرهنگ داشته باشید. کسانی که در این عرصه فعالیت می‌کنند، محدودیت‌های زیاد دارند. نویسندگان و کارگردان‌ها با ده‌ها مانع رویه‌رو هستند که امکان تفکر را از آنها می‌گیرد. در برخی موارد اعتماد مردم به رسمیت شناخته نمی‌شود و همین موضوع باعث محدودیت‌های

کشورمان فراهم کرده‌ایم اما اعلام‌ان نیروها در کشور ما استفاده نمی‌شود. ما در این چندسال اخیر نیروهای متخصص کشورمان را برای دیگر کشورها تربیت می‌کنیم. جوانان برای مقطع دکتری به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند و بعد از تمام شدن درس دیگر به ایران بر نمی‌گردند و این دقیقاً به دلیل همین موضوعی است که اول مطرح کردم. آنها خود را در امور کشورشان دخیل نمی‌بینند و به همین دلیل هم یک کشور دیگر را برای زندگی ترجیح می‌دهند. وقتی از توانایی‌ها و دانشی که آموخته‌ای در کشور خود بهره نبری، بدون شک دچار سرخوردگی می‌شوی و ترجیح می‌دهی به جایی مهاجرت کنی که برای دانش شما ارزش قابل قبول شود. در چنین حالتی یعنی تمام هزینه‌ای که یک کشور تا مقطع فوق لیسانس برای جوان خود کرده است به هدر رفته و نتوانسته آن‌طور که باید از این سرمایه‌گذاری بهره ببرد. وقتی ساختار غیر توسعه‌ای است و تصمیم‌گیری‌ها همگی دولتی است، نمی‌توانیم توقع داشته باشیم تا توسعه با شتاب پیش برود. توسعه بدون حضور جدی مردم محقق نمی‌شود در صورتی که هر اندازه مشارکت‌ها



مصطفی درایتی  
فعال سیاسی

مشکل عمده ما در توسعه نیافتن به نگاه مسئولان بر می‌گردد که متأسفانه نگاه توسعه‌ای به مسائل ندارند. پیشرفت نکردن ما و در جازدن‌های مکرر به این علت است که ما به صورت موثر مردم جامعه خود را در حوزه‌های گوناگون مشارکت نمی‌دهیم. ناوقتی چنین روندی وجود داشته باشد، انتظار توسعه‌یافتگی یک انتظار بیپایه است. مشکلات ساختاری در جامعه ما باعث شده تا یک روند کند و آهسته برای پیشرفت کشورمان داشته باشیم. وقتی همه توان کشور، که تک‌تک مردم آن را تشکیل داده‌اند در فعالیت‌های جامعه مشارکت داده نشوند در واقع ما نتوانستیم از امکانات مادی و معنوی به صورت درست استفاده کنیم. مردم ما سرمایه‌های کشور ما هستند که باید از آنها در تمامی حوزه‌ها استفاده کرد. ما شرایط آموزش را برای بالابردن تحصیلات جوانان

راویچه